



روزنامه جوان | شماره ۴۴۶۶

دکتر سید نعمت‌الله عبدالحجیم‌زاده

امریکا مصر را در مبارزه با تروریسم تنها می‌گذارد

مختصات رویارویی سیسی با داعش

عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، قانونی را برای تعیین گروه‌های تروریستی و چگونگی مبارزه با این گروه‌ها امضا کرده است. بنابر این قانون، گروه‌های تروریستی سازمان یا پاندهایی هستند که از طریق اقدامات سازمان‌دهی شده در داخل و خارج از کشور به دنبال آزار دیدگان را ایجاد رعب و وحشت باشند. دولت مصر با این تعریف از گروه‌های تروریستی، هر سازمانی که در قالب آن باشد را از طریق دادستانی و حکم داد‌گاه تجدیدنظر در فهرست گروه‌های تروریستی قرار می‌دهد و با ممنوعیت فعالیت اعضای آن و ممنوع الخروج شدن آنها، اموال این‌ها هم مصادره می‌شود.حالا السیسی با صدور این قانون سعی به روشنند کردن مبارزه خود با گروه‌های تروریستی دارد، مبارزه‌ای که از ابتدای رئیس‌جمهور شدن شروع کرد و این مبارزه با حمله گروه انصار بیت‌المقدس به چندین مقر نظامی و پلیس در منطقه سینا در اواخر ژانویه به اوج خود رسید. السیسی همان زمان با قاطعیت تمام از اراده خود برای سرکوب این گروه گفت اما وقتی داعش در اواسط فور به سر ۲۱ مسیحی قبطی مصری را در لیبی برید، معلوم شد که او باید در هر دو سوی شرق و غرب مصر با گروه‌های تروریستی بجنگد. رئیس‌جمهور مصر انتظار حمایت منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای در مبارزه‌اش با تروریسم را داشت اما زود معلوم شد که خبری از این حمایت‌نیست و حتی آن حمایت سابق هم کم‌رنگ‌تر شده است. در واقع، او در این جریان با حد و حدودی روبه‌رو شد که حالا با این قانون مبارزه‌اش را بیشتر متوجه داخل و امکانات این گروه‌ها در مصر کرده است.

السیسی و تروریسم

اولین مسئله مبارزه السیسی با تروریسم در تلقی که او از این مفهوم دارد و مصادیق مورد نظر او است. این واقعیتی غیرقابل کتمان است که اصطلاح تروریسم و گروه‌های تروریستی در گفتمان سیاسی امروز مبدل به اصطلاحی گنگ و مبهم شده و هر دولت و حکومتی از این اصطلاح استفاده می‌کند تا اهداف خاص سیاسی خود را دنبال کند. به این جهت است که گروهی مثل داعش تا مدت‌ها از نظر کشورهای غربی و حامیان عربی آن یک گروه تروریستی شناخته نمی‌شود حتی با ارسال بمب و پول و نیروی انسانی به آن کمک نیز می‌کردند اما بعد، با چرخش قابل توجه به عنوان گروهی تروریستی شناخته شد تا آن که امریکا بتواند ائتلاف مورد نظر خود را در منطقه ایجاد کند. رفتار السیسی هم از این قاعده مستثنی نیست. او بعد از کودتای سوم ژوئیه ۲۰۱۳ با مسوح اعتراض گروه اخوان‌المسلمین روبه‌رو شد که حامی محمد مرسی، رئیس‌جمهور مخلوع مصر بودند. او در برابر این اعتراض اخوان را گروهی تروریست نامید و تمام تلاش خود را برای سرکوب این گروه به خرج داد و حتی بعد از پیروزی در ریاست‌جمهوری وعده نابودی کامل این گروه را داد. اخوان تنها متهم السیسی به تروریسم نیست بلکه حماس و گردان‌های عزالدین قسام، شاخه نظامی حماس، در غزه هم قربانی این نحو‌استفاده السیسی از اصطلاح تروریسم بوده‌اند و در فهرست گروه‌های تروریستی او قرار گرفته‌اند. بهانه مصر برای قرار دادن حماس و گردان‌های عزالدین قسام برای مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی، همه‌حکایت از یک سناریوی طراحی‌شده از قبل توسط سرویس‌های اطلاعاتی داشت ولیکن سند معتبری که نمایانگر آدرس سر طراحان سناریو و تعبیرکننده از تباط منظم وقایع مذکور باشد در دسترس نبوده تا اینکه مذاکرات و مصوبات دوله‌جلسه کابینه رژیم‌صهیونیستی در نوامبر ۲۰۱۴ میلادی درواقع کمتر از دو ماه قبل از عملیات سازمان یافته‌نشریه شارلی ابدو منتشر شد. بخشی از مباحث دوله‌جلسه مذکور بدین شرح است:

جلسه ۱۶ نوامبر

ماجرای نشریه «شارلی ابدو» در فرانسه و کتیسه‌های درآدم‌کار و تکاپوهای سازمان یافته صهیونیست‌ها متعاقب آن ماننداجرای میتینگ خیابانی با شرکت تراسران وقمقانات چند کشور، شارژ ملی نشریه شارلی ابدو و مجاب کردن نشریه به باز نشرنگار کاتکاور موهن با تیراز بسیار بالا و مهم‌تر از همه عوت‌فوری بنیامین نتانیاهو از یهودیان آن کشورها برای مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی، همه‌حکایت از یک سناریوی طراحی‌شده از قبل توسط سرویس‌های اطلاعاتی داشت ولیکن سند معتبری که نمایانگر آدرس سر طراحان سناریو و تعبیرکننده از تباط منظم وقایع مذکور باشد در دسترس نبوده تا توضیحات «سوقا لندور» در خصوص رژیم‌صهیونیستی در نوامبر ۲۰۱۴ میلادی درواقع کمتر از دو ماه قبل از عملیات سازمان یافته‌نشریه شارلی ابدو منتشر شد. بخشی از مباحث دوله‌جلسه مذکور بدین شرح است:

جلسه ۲۳ نوامبر

موضوع سخن گفته و افزوده است به‌زودی این طرح برای تأیید به دولت ارائه خواهد شد.
جلسه ۲۳ نوامبر
درباره وضعیت مهاجرت و اقدامات وزارت‌خانه متعوش، اظهار می‌داد: «مواضع است بر برای بهبود جذب مهاجران نیازمند اقدامات بیشتر به‌ویژه در حوزه مسکن، اشتغال و مزایا هستیم.» وی در ادامه از افزایش دو برابری توانایی وزارت خود برای مدیریت مهاجرت بیش از ۶۰ هزار یهودی به سرزمین‌های اشغالی در سال آینده خبرمی‌دهد در ادامه بحث «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، ضمن تشکر از توضیحات «سوقا لندور» در خصوص فعالیت‌های وزار تخانه مهاجرت، تأکید می‌کند وزارت مهاجرت برنامه ورود بیش از ۶۰ هزار مهاجر یهودی جدید مخصوصاً از فرانسه و اوکراین را تدوین و اجرایی نماید. با کمی دقت در محتویات مباحث این دو جلسه، ساده‌انگاری است که وقایع فرانسه و دانمارک را یک اقدام تروریستی صرف و سلسله تحرکات عملی و تبلیغاتی را تابع



از تباط بین حماس و اخوان است که حماس و شاخه نظامی آن را در دایره گروه‌های تروریستی قرار داده و البته فضای متشنج فعلی منطقه و غوغایی که بر سر مبارزه با تروریسم ایجاد شده هم فرصت چنین کاری را به او داده است.

السیسی و داعش

مبارزه السیسی با اخوان و ضمیمه کردن حماس و گردان‌های عزالدین قسام به آن به نحو ضمنی از سوی کشورهای عربی منطقه و تا اندازه‌ای قدرت‌های فرامنطقه‌ای مورد حمایت قرار گرفته است. دلیل این حمایت در دو چیز است. در وهله نخست، این کشورها مبارزه السیسی در این مورد را مسئله داخلی مصر می‌دانند و چندان تمایلی به مخالفت با آن ندارند و تصور می‌کنند که او با این مبارزه در جهت نظم و ثبات داخلی مصر گام بر می‌دارد. دلیل دوم در حمایت عربستان از کودتای اخوان از نظر عربستان و کشورهای متحد آن خطری است که با یزه با آن مبارزه کرد و حمایت عربستان از کودتای سوم ژوئیه و اقدامات بعدی السیسی به‌طور عمده به خاطر همین نوع نگاه به اخوان بوده است. از نظر کشورهای فرامنطقه‌ای و به ویژه امریکا، مبارزه السیسی با حماس و گردان‌های عزالدین قسام نیز به خصوص امریکا واقعاً است. این مبارزه از یک جهت نوعی کمک به اسرائیل قلمداد می‌شود که به نظر غرب اقدامی قابل قبول است و از طرف دیگر باعث تضعیف حماس و در بلندمدت منجر به همکاری حماس با طرح مورد نظر امریکا در مسئله فلسطین می‌شود. بنابر این تا وقتی که مبارزه السیسی با تروریسم محدود به اخوان یا حماس باشد، حمایت خارجی از آن می‌شود اما قضیه داعش با این مسئله به طور کلی فرقی می‌کند و السیسی زود متوجه شد که برای گسترده کردن دایره مبارزه خود و قرار دادن داعش در آن

با حد و حدودی مواجه است.

ابتدا باید توجه داشت که مبارزه با داعش از نظر کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای یک موضوع داخلی مصر نیست بلکه در چارچوب پیچیده منطقه تعریف می‌شود. بنابر این مبارزه السیسی با داعش موقعی حمایت این کشورها را خواهد داشت که با اهداف مورد نظر آنها با این چارچوب مرتبط باشد و این اهداف را بر آورده کند و در غیر این صورت، حمایتی در کار نخواهد بود. السیسی بعد از بریده شدن سر مسیحی‌های قبطی به دست داعش حاکمیت در دو چیز است. در وهله نخست، این کشورها مبارزه السیسی در این مورد را مسئله داخلی مصر می‌دانند و چندان تمایلی به مخالفت با آن ندارند و تصور می‌کنند که او با این مبارزه در جهت نظم و ثبات داخلی مصر گام بر می‌دارد. دلیل دوم در حمایت عربستان از کودتای اخوان از نظر عربستان و کشورهای متحد آن خطری است که با یزه با آن مبارزه کرد و حمایت عربستان از کودتای سوم ژوئیه و اقدامات بعدی السیسی به‌طور عمده به خاطر همین نوع نگاه به اخوان بوده است. از نظر کشورهای فرامنطقه‌ای و به ویژه امریکا، مبارزه السیسی با حماس و گردان‌های عزالدین قسام نیز به خصوص امریکا واقعاً خطرناک و تاسف‌آور و شرم‌آور است، امریکایی که ادعای رهبری مبارزه با تروریسم را دارد خود رعایت حال آن را نمی‌کند. او بامایمی که می‌گوید جنگ کشورش با اسلام دروغی وحشتناک است، به صراحت دروغ می‌گوید. هیچ‌کس نمی‌داند سرنوشته دنیا در سایه این همه دروغ، نیرنگ، ریا و خون‌ریزی که به صراحت به این شکل به کل جامعه جهانی توهین می‌شود به کجا خواهد رسید؟»

رؤیای عبدالناصر

قضوات الحناوی گویای این نکته است که قاهره متوجه

جهاد

سرویس بین‌الملل ۸۸۴۹۸۴۴۴



شده مسئله داعش و مبارزه با این گروه آن چنان که تبلیغ می‌شود نیست و واقعیت قضیه خلاف ادعاهای سیاسی و تبلیغات رسانه‌ای است. قاهره این موضوع را به بهانه کشته‌های خود در سینا و لیبی در یافته اما جدای از اینکه قصد السیسی برای مبارزه با داعش در چارچوب کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای نمی‌گنجد این کشورها با عدم حمایت از او خواستند تا مانع تحقق رویای عبدالناصر در مصر شوند. السیسی تا اندازه‌ای ورود خود به صحنه سیاسی مصر را همانند جمال عبدالناصر می‌داند و هوادارانش هم همین انتظار را از او دارند. مبارزه با داعش فرصتی برای السیسی است تا آنکه بتواند در منطقه نقش یک رهبر موفق را بازی کند و تا اندازه‌ای آن رؤیا را محقق سازد. کشورهای عربی منطقه حامی او انتظار این حد از قدرت گرفتن او ندارند و به این جهت سعی می‌کنند تا حد و حدودی در راه قدرت او ایجاد کنند. از سوی دیگر، امریکا و متحدان غربی خود به اندازه کافی با رهبران فعلی کشورهای عربی در دسر دارند و دیگر تحمل روبرو دهری تداعی‌کننده عبدالناصر در صحنه پیچیده منطقه را ندارند. از نظر این کشورها، السیسی تا اندازه درگیری داخلی در مقبولی است و می‌توان از او حمایت کرد اما ورود او به صحنه منطقه فراتر از حد و حدود مورد نظرشان از قدرت اوست. لحن ملایم بیابیه اتحادیه عرب در مورد حمله مصر به لیبی و حمایت شورای همکاری خلیج‌کش از قطر در برابر مصر از جمله موارد این سیاست کشورهای عربی منطقه هستند. با قرار دادن این مواد با آن سیاست امریکا در مورد درخواست السیسی است که می‌تواند این دایره حد و حدود اختیارات و قدرت السیسی از نظر کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای را ترسیم کرد و شاید به همین دلیل است که السیسی قانون مبارزه با تروریسم را صادر کرده تا بیشتر نگاهش در این مبارزه در داخل باشد تا خارج از کشور و چندان آرزوی تحقق آن رؤیا را نکند.

از سیاست تا اقتصاد و امنیت

مثلث اهداف تل آویو در آفریقا

قاره آفریقا در استراتژی بنیانگذاران رژیم صهیونیستی اهمیت فراوانی داشته است. از این رو رهبران این رژیم از بدو تأسیس آن به این قاره و مناطق جغرافیایی و ژئوپلتیکی آن همواره توجه خاص داشته‌اند. کشورهای غرب آفریقا جزء اولین کشورهایی بودند که مناسبات سیاسی و اقتصادی خود را در دهه ۱۹۶۰ با رژیم صهیونیستی آغاز کردند. کشور لیبی را اولین کشور آفریقایی و سومین کشور پس از شوروی و امریکا بود که در سال ۱۹۴۸ رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت. جمهوری غنا در ست یک ماه پس از استقلال در سال ۱۹۵۷ با رژیم صهیونیستی روابط دیپلماتیک برقرار کرد. مناسبات رژیم صهیونیستی با کشورهای غرب آفریقا با گذار از مراحل سیاسی و تاریخی، در حال حاضر ابعاد مختلف و پیچیده‌ای به خود گرفته است.

رئیکرد

اسماعیل طنزری

غرب آفریقا شامل کشورهای سنگال، گامبیا،گینه بیسائو،گینه کوناکری، سیرالئون، لیبیا، ساحل عاج، غنابنین، توگو،نیجر،نیجره، کامرون، گینه استوایی و گابون است. این منطقه به چند علت همواره مورد توجه کشورهای استعمارگر غربی بوده است که عبارت‌اند از:
۱- منابع زیرزمینی: غرب آفریقا از نظر منابع زیرزمینی جزء بهترین مناطق دنیا و از ثروت سرشاری برخوردار است. وجود منابع عظیم نفت و گاز در خلیج گینه، اورانیوم در نیجر، بوکسیت و فسفات در سنگال، معادن سرشار از الماس در لیبیا و سیرالئون باعث شده تا این منطقه طی دهه‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ درگیر جنگ داخلی شود و استعمارگران غربی با استفاده از شرایط حاکم بر کشورهای این منطقه، ثروت‌های آن را به تاراج ببرند.

۲- منابع کشاورزی: غرب آفریقا از نظر محصولات کشاورزی نیز شرایط بسیار مطلوبی دارد؛ بادام زمینی، کاکائو و روغن پالم از مهم‌ترین محصولات این منطقه است.

همانطور که گفتیم بادام زمینی یکی از محصولات این منطقه است که به بسیاری از کشورهای جهان خصوصاً کشورهای اروپایی صادر می‌شود. اما شاید مهم‌تر از بادام زمینی محصول کاکائو است که شهرت جهانی دارد. ساحل هزگ‌ترین صادرکننده کاکائو در سراسر آفریقا است و محصولات آن به بسیاری از کشورهای پیشرفته نظیر آلمان، فرانسه و اسپانیا به قیمت بسیار ارزانی صادر می‌شود و بعد از انجام فعالیت‌های صنعتی روی آن باقیمتی بسیار بالا به فروش می‌رسد. یکی دیگر از محصولات مهم و صادراتی این منطقه الوار است، چوب در ختان گابن جزء بهترین و مرغوب‌ترین چوب‌های جهان است و از آن در ساخت بسیاری از ساختمان‌ها و بناهای مهم نظیر خانه کعبه و مسجد النبی استفاده شده است.

۳- جمعیت مسلمان: غرب آفریقا یکی از مهم‌ترین مناطق آفریقا از نظر سکونت مسلمانان است، حدود ۲۰۰ میلیون مسلمان در این منطقه زندگی می‌کنند و در این میان نیجره به تنهایی حدود ۱۰۰ میلیون مسلمان را در خود جای داده است. از این رو کشورهای غربی از بدو استقلال این منطقه با روی کار آوردن افراد مورد نظر خود به نوعی کنترل جامعه مسلمانان این منطقه را در دست داشته‌اند.

اهداف رژیم صهیونیستی در غرب آفریقا

۱-اهداف سیاسی

بهره‌برداری از آرای کشورهای آفریقایی در محافل بین‌المللی قدیمی‌ترین هدف سیاست آفریقایی رژیم صهیونیستی بوده و هنوز هم در قضیه منازعه اعراب و روند صلح خاورمیانه از آرای کشورهای آفریقایی استفاده می‌کند. رژیم صهیونیستی جهت راهایی از محاصره کشورهای عربی در منطقه از این مناسبات بهره‌برداری کرده و همچنین برقراری روابط سیاسی و دیپلماتیک با کشورهای آفریقایی مدخلی برای برقراری مناسبات اقتصادی و امنیتی با کشورهای این منطقه بوده است. رژیم صهیونیستی با داشتن روابط سیاسی با قاره آفریقا توانسته است حجم زیادی از آرای سیاهان امریکا را برای اهداف خود جذب کند.

۲-اهداف اقتصادی

یکی دیگر از اهداف سیاست رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آفریقا تقویت روابط اقتصادی و مالی با کشورهای این منطقه است. رژیم صهیونیستی با افزایش صادرات خود به کشورهای این منطقه تا حدودی توانسته است بخشی از کسری بودجه خود را ترمیم کند و طی دو دهه اخیر میزان صادرات خدمات فنی به این کشورها را افزایش دهد. اسرائیل از طریق تقویت روابط اقتصادی برای صنایع خود



مواد خام ارزان تهیه کرده است. طی ۱۰ سال گذشته این رژیم برای مقابله با فلسطینی‌ها اقدام به جذب نیروی کار آفریقایی ارزان کرده و مهاجران سیاهپوست از نیجر،به بنین و لیبیا به عنوان نیروی کار ارزان در فلسطین مشغول به کار شده‌اند.

۳-اهداف امنیتی

مهم‌ترین اهداف رژیم صهیونیستی در این راستا عبارت‌اند از:

-تقویت همکاری در زمینه تأمین اسلحه و تجهیزات فنی نظامی.

-استفاده از گروه‌های جدایی طلبی سودان، چاد و نیجر به جهت تجزیه کشورهای اسلامی آفریقا. رژیم صهیونیستی نقش مهمی در مدیریت و هدایت مسیحیت صهیونیستی در منطقه داشته به‌ویژه در نیجر،به سیرالئون، گینه کوناکری و لیبیا با استفاده از این سیاست توانسته است جامعه مسلمانان را تا حدود زیادی تضعیف کند.

-تلاش برای تحکیم نفوذ و قدرت امریکا در غرب آفریقا به‌ویژه منطقه خلیج گینه تا در بر توتی این وضعیت به تقویت موجودیت و نفوذ خود در قاره آفریقا بپردازد.

-همکاری با سیاست‌های امنیتی امریکا در منطقه.

-تقویت همکاری با کشورهای آفریقایی در زمینه اطلاعات و جمع‌آوری گزارش‌های مورد نیاز.

زمینه‌های حضور رژیم صهیونیستی در غرب آفریقا

پایین بودن سطح سواد و تکنولوژی در غرب آفریقا از یکسو و وجود کارشناسان باتجربه و تکنولوژی بالا از سوی رژیم صهیونیستی باعث شده تا این رژیم در بسیاری از زمینه‌ها فعالیت‌های خود را در کشورهای

این حوزه تا سطح بسیار زیادی گسترش دهد که در ذیل به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

۱- کشاورزی: هر چند غرب آفریقا به علت واقع شدن در نزدیکی خط استوا از آب و هوای مساعدی برای کشاورزی برخوردار است اما پایین بودن سطح دانش کشاورزی و نبود ماشین‌آلات حتی در سطحی بسیار پایین مانند بیل و کلنگ باعث شده تا کشاورزی از رونق خوبی برخوردار نباشد و با وجود زمین‌های مستعد و وسیع بسیاری از مردم این منطقه در فقر و گرسنگی به‌سر بردن این شرایط زمینه مساعدی برای حضور کارشناسان رژیم صهیونیستی فراهم آورده و متخصصان کشاورزی سازمان کمک‌های خارجی اسرائیل mashav تقریباً در تمامی کشورهای منطقه مشغول کار هستند و عمده فعالیت آنان معطوف به آموزش روش‌های نوین کشاورزی و آبیاری است.

۲- عمران و شهرسازی: از دیگر زمینه‌های حضور کارشناسان صهیونیست در غرب آفریقا بخش عمران و شهرسازی است. نبود کارشناسان بومی باعث شده تا کشورهای منطقه بسیاری از پروژه‌های عمرانی خود را به متخصصان اسرائیلی سپرده، ضمن صرف هزینه‌های فراوان برای تعمیر و نگهداری نیز مبالغ گزافی را به رژیم صهیونیستی بپردازند.

۳- مخابرات و اینترنت: با توجه به گسترش روز افزون استفاده از خدمات مخابراتی و اینترنتی و عدم تخصص تحصیلکردگان بومی، این راه یک باهت واقع شده در نزدیکی خط استوا از آب و هوای مساعدی برای حضور پر تعداد شرکت‌های مخابراتی اسرائیلی در غرب آفریقا باعث شده تا این منطقه تحت اشراف مخابراتی اسرائیل قرار گیرد و دستگاه‌های جاسوسی این رژیم تقریباً از تباط مخابراتی و اینترنتی مردم

کشورهای این منطقه را به‌طور کامل کنترل و از هرگونه اقدام علیه منافع این رژیم جلوگیری کنند.
۴- پزشکی: وضعیت آب و هوایی غرب آفریقا با مشکلات پزشکی در این منطقه از یکسو و تلاش اسرائیل بر پوشش نهادن بر اقدامات جنایتکارانه خود در خاورمیانه از سوی دیگر باعث شده تا سالانه دهها تیم پزشکی از رژیم صهیونیستی عازم غرب آفریقا شده و به درمان مردم این منطقه بپردازند، البته این همه داستان نیست و دیده شده که اسرائیل از این موقعیت سوء استفاده کرده و به آزمایش داروهای جدید خود روی مردم این منطقه نیز پرداخته است.

منبع:فارس

